

شبهه‌ها و پاسخ‌ها

## عذاب

## بی‌حجاب‌های خارج‌نشین

**آیا کسانی که در خارج هستند و حجاب ندارند، به جهنم می‌روند؟**

پاسخ در ضمن نکاتی ارائه می‌شود:

**(الف)** استحقاق غیر از انجام و تحقق است.

وقتی از جهنم بحث می‌کنیم، بر اساس آموزه‌های دینی از استحقاق عذاب بحث می‌کنیم نه تحقق آن؛ یعنی کسی که گناه مرتکب شده، استحقاق عذاب دارد، اما اینکه آیا واقعاً عذاب می‌شود، نمی‌دانیم؛ شاید عذاب شود و شاید هم خاوند او را ببخشد.

(ب) تفاوت میان پنهان‌شان و جهنمیان وجود دارد، به این معنا که پنهان‌شان یا وعده‌ای که خداوند به آنان داده بهشت حقیشان است، بر این اساس اگر خدا بخواهد آنان را از حقیشان محروم کند، با عدالت حضرت حق سازگار نیست، اما جهنمیان با عدم رعایت حقوق الهی مستحق جهنم شده‌اند و این حق خداوند است، واین‌رو اگر خدا بخواهد از آنان بگذرد، نه تنها ظلم و خلاف عدالت نیست؛ بلکه نشانه فیض و فضل الهی است.

(ج) نظر به اینکه حقیقت گناه نافرمانی از حضرت حق است اصلاً بحث کوچک و بزرگ بودن گناه مطرح نیست، بحث این است کسی که به من همه چیز داده و در رأس تمام نعمت‌ها به من وجود بخشیده و در ازای آن از من خواسته مثلاً موی خودم را از نامحرم بپوشانم تا باعث اتحراف و آلودگی جوانان نشوم و توجهی به آن نکرده‌ام، آیا این سرپیچی و عصیان مستحق تنبیه و مجازات نخواهم بود؟ بنابراین بحث مقدار اطاعت و معصیت نیست بلکه بحث از گردنکشی و فراموش‌داری است.

(د) با توضیحی که گذشت، روشن است چنین عذابی مربوط به کسی است که با قصد سرپیچی و گردنکشی نافرمانی کرده باشد، اما کسی که چند بار از روی نادانی یا غفلت انجام داده و یا بعداً پشیمان شده باشد، مستحق عذاب نخواهد بود.

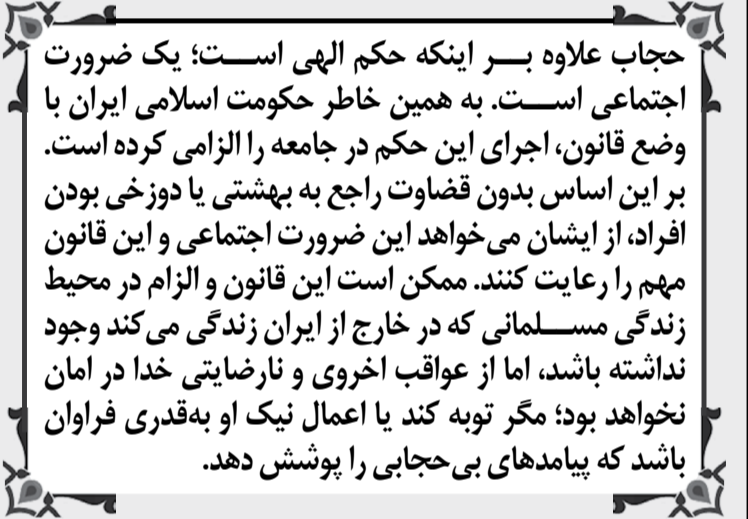
(ه) همچنین باید حالات مختلف را جدا کرد:

۱. اگر مقصود مسلمانی است که در خارج از سرزمین اسلامی زندگی می‌کند، باید گفت باید مانند دیگر مسلمانان به دستورات شرعی عمل کرده و حجاب را رعایت کند؛ بنابراین این به نظر می‌رسد عدم رعایت حجاب، او را مستحق عقوبت و عذاب الهی نکند.

۲. اما اگر مقصود غیرمسلمانی باشد که در محیط غیر اسلامی زندگی می‌کند، چنانچه اگر اطلاعی از دین اسلام و دستورات اسلامی نداشته باشد، یعنی احتمال وجود دستور الهی بر رعایت حجاب را نمی‌دهد و سبوه نیت نداشته‌ست و نسبت به ندای فطرت بی‌توجهی نکرده باشد، بازخواست و عذاب او به خاطر عدم رعایت حجاب بی‌معنا است.

۳. اما همین فکر را بر اساس دین خود به پوشیدگی و رعایت حجاب موظف باشد، عدم رعایت حجاب، او را مستحق عذاب خواهد کرد.

همچنین اگر فطرت درونی‌اش وی را به پوشیدگی فرخوانده باشد، بی‌توجهی به ندای فطرت او را مستحق عذاب خواهد کرد.



امروزه با گسترش ارتباطات و در دسترس بودن اطلاعات بعید به نظر می‌رسد فردی وجود داشته باشد که وجود دستور شرعی راجع به پوشش و حجاب را احتمال ندهد.

در هر صورت اگر چه با ارتکاب هر گناهی از جمله بی‌حجابی، انسان مستحق عذاب می‌شود، اما توبه و بازگشت به سمت خدا و انجام اعمال نیک می‌تواند بار نیک‌های آثمی را سنگین‌تر کرده و او را از عذاب الهی نجات دهد.

باید یادآور شد حجاب علاوه بر اینکه حکم الهی است؛ یک ضرورت اجتماعی است. به همین خاطر حکومت اسلامی ایران با وضع قانون، اجرای این حکم در جامعه را الزامی کرده است.

بر این اساس بدون قضاوت راجع به بهشتی یا دوزخی بودن افراد، از ایشان می‌خواهد این ضرورت اجتماعی و باطنی قانون هم رعایت کنند.

ممکن است این قانون و الزام در محیط زندگی مسلمانان که در خارج از ایران زندگی می‌کند وجود نداشته باشد. اما از عواقب اخروی و ناراضیاتی خدا در امان نخواهد بود؛ مگر توبه کند یا اعمال نیک او به‌قدری فراوان باشد که پیامدهای بی‌حجابی را پوشش دهد.

همچنین حتی حال از غیرمسلمانان که قبح بی‌حجابی را با آموزه‌های دینی خود و با ندای درونی فطرت در یافته ولی به ندای فطری پاسخ شایسته‌ای نمی‌دهد.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

عذاب الهی برای بی‌حجابی در حدیث آمده است.

**انسان به طور طبیعی دارای غرایزی است**

**که باید به آنها پاسخ دهد. سرکوب هر یک از آنها به معنای نادیده گرفتن حقیقت واقعیت آنهاست.**

**نویسنتر حاضر نویسنده ضمن بررسی**

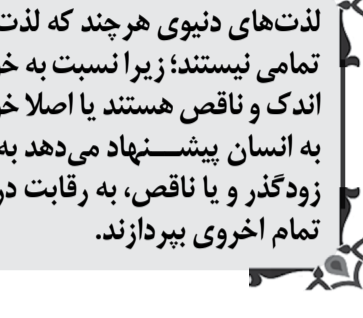
**چیستی لذت و جایگاه غریزه لذت‌جویی انسان در نظام خلقت، نگاه دین را نسبت به لذت‌طلبی و حدود و مرزهای آن و نیز ضرورت توجه به لذات پایدار اخروی در کنار لذات دنیوی تشریح کرده است.**

**\*\*\***

**نقش لذت در نظام برتر**

خداوند جهان را به بهترین، کامل‌ترین و زیباترین شکل ممکن آفریده است، به‌گونه‌ای که نمی‌توان کامل‌تر و بهتر از این جهان زیبا و همه چیز آن در همان مرتبه کمالی خود قرار گرفته

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.



است؛ هر چند که شرور و نواقصی در آن وجود دارد که مقتضای طبیعت آن است؛ چرا که جهان مادی از ظرفیت بیشتری برخوردار نیست تا به‌گونه‌ای بهتر و کامل‌تر از این، آفریده شود.

بر این اساس هر چیزی در دنیا بنا به حکمت و هدفی آفریده شده و نمی‌توان موجودی را یافت که مطلق باشد یا حکمت و هدفی معقول و مطلوب در آفرینش آن وجود نداشته باشد.

با این فرض و با تکرش به هستی می‌توان دریافت که هر چیزی در سر جایش، کامل، مطلوب و مورد نیاز است. از جمله این امور می‌توان به غرایز انسانی اشاره کرد. از نظر اسلام غرایز انسانی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تکاملی بشر است که بی‌وجود آن انسان نمی‌تواند به مقام خلقت ربوبی برسد.

اما آنچه موجب شده تا در تحلیل و تبیین وحیانی، نسبت به غرایز انسانی واکنش منفی دیده شود کنش و واکنش انسانی نسبت به آن است؛ چرا که انسان‌ها در بسیاری از موارد از حدود و مرزهای عقلانی بیرون می‌روند و به نفس خویش ظلم و ستم روا می‌دارند. به این معنا که راه تفریط و افراط را در پیش می‌گیرند و خود را سرگرم غرایز نموده و از هدف بازمانده و ابزار را به عنوان هدف قرار می‌دهند.

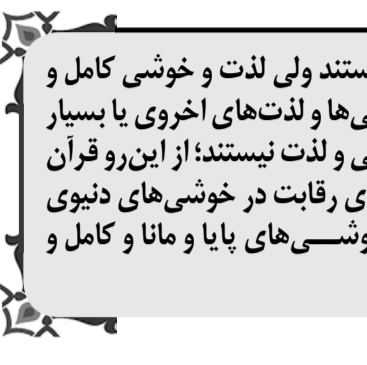
هر عضو از اعضای بشر و هر غریزه‌ای از غرایز او نیازمند توجه مطلوب و معقول است، به‌گونه‌ای که پاسخ‌های درخور توجهی بیابند. این

### معارف Maarefkayhan@Kayhan.ir

خوشی می‌شمارد که خوشی نیست، با این توصیف نمی‌توان نگاه انتقادی قرآن و آموزه‌های وحیانی را به معنای انکار و مخالفت با لذت‌جویی دانست، بلکه باید آن را به معنای تصحیح و اصلاح در حوزه‌های مفهومی و مصداقی بشمار آورد.

از نظر قرآن لذت‌های دنیوی هرچند که لذت هستند ولی لذت و خوشی کامل و تمامی نیستند؛ زیرا نسبت به خوشی‌ها و لذت‌های اخروی یا بسیار اندک و ناقص هستند یا اصلاً خوشی و لذت نیستند؛ از این‌رو به انسان پیشنهاد می‌دهد به جای رقابت در خوشی‌های دنیوی زودگذر و یا ناقص، به رقابت در خوشی‌های پایا و مانا و تمام اخروی بپردازند.(مطففین، آیات ۲۲ و ۲۶)

به نظر می‌رسد که لذت در نظام احسن هستی در هر دو جهان نقش اساسی و محوری دارد؛ چرا که عامل هر حرکتی در دنیا و آخرت است. از این‌رو



است؛ هر چند که شرور و نواقصی در آن وجود دارد که مقتضای طبیعت آن است؛ چرا که جهان مادی از ظرفیت بیشتری برخوردار نیست تا به‌گونه‌ای بهتر و کامل‌تر از این، آفریده شود.

بر این اساس هر چیزی در دنیا بنا به حکمت و هدفی آفریده شده و نمی‌توان موجودی را یافت که مطلق باشد یا حکمت و هدفی معقول و مطلوب در آفرینش آن وجود نداشته باشد.

با این فرض و با تکرش به هستی می‌توان دریافت که هر چیزی در سر جایش، کامل، مطلوب و مورد نیاز است. از جمله این امور می‌توان به غرایز انسانی اشاره کرد. از نظر اسلام غرایز انسانی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تکاملی بشر است که بی‌وجود آن انسان نمی‌تواند به مقام خلقت ربوبی برسد.

اما آنچه موجب شده تا در تحلیل و تبیین وحیانی، نسبت به غرایز انسانی واکنش منفی دیده شود کنش و واکنش انسانی نسبت به آن است؛ چرا که انسان‌ها در بسیاری از موارد از حدود و مرزهای عقلانی بیرون می‌روند و به نفس خویش ظلم و ستم روا می‌دارند. به این معنا که راه تفریط و افراط را در پیش می‌گیرند و خود را سرگرم غرایز نموده و از هدف بازمانده و ابزار را به عنوان هدف قرار می‌دهند.

هر عضو از اعضای بشر و هر غریزه‌ای از غرایز او نیازمند توجه مطلوب و معقول است، به‌گونه‌ای که پاسخ‌های درخور توجهی بیابند. این

مفهومی و مصداقی نازل شده است تا مردمان را با مفهوم حقیقی لذت و مصداق یا مصداقی واقعی آن آشنا کند.

به هر حال لذت و خوشی‌های دنیوی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل شناسایی مفهوم و مصداق لذت است. از این رو خداوند نه‌تنها تحریم لذت دنیوی را روا نمی‌دارد، بلکه آن را عامل مهم در حرکت بشر به سوی کمال می‌شمارد.

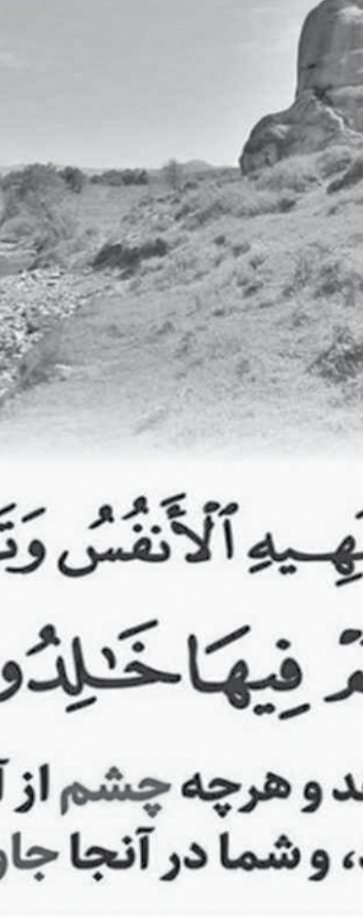
هنگامی که انسانی لذت جنسی مشروع را چشید و با لذت‌های لذت‌بخش جنسی بهره‌مند شد، در خود انگیزه‌ای قوی می‌یابد تا لذت‌های پایدارتر و کامل‌تری را جست‌وجو کند، از این‌رو برای رسیدن به آن لذت‌ها تلاش می‌کند.

**ناروایی تحریم لذتها**

چنان‌که بیان شد لذت و خوشی دنیوی مهم‌ترین عامل حرکتی انسان در مسیر کمال‌یابی و رسیدن به آن است. از این‌رو از نظر قرآن هرگونه مخالفت و انکار و تحریم لذت‌های دنیوی امری ناروا و ناپسند است.

خداوند در بسیاری از آیات، مردمان را به بهره‌مندی از لذت‌های طیب و پاک دعوت کرده است. این لذت‌ها که شامل لذت‌های توشیحی، خوردنی، جنسی و مانند آن است، افزون بر اینکه عاملی مهم در پاسخگویی به نیازهای فطری و غریزی بشری می‌باشد، عاملی برای رقابت و سیقت در شناسایی و کسب لذت‌های برتر و کامل‌تر نیز می‌باشد.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.



هر چه دل بخواهد و هر چه چشم از آن لذت ببرد، در بهشت وجود دارد، و شما در آنجا جاودانه خواهید بود

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.



از نظر قرآن لذت زمانی لذت حیوانی می‌شود که انسان هدف و مقصد از آن را نشناسد و بدان سمت حرکت نکند. اینکه خداوند کام‌جویی و لذت‌خواهی کافران را حیوانی برمی‌شمارد از آن‌روست که آنان لذت دنیوی را به عنوان هدف و مقصد برگزیده شده‌اند.محمد، آیه ۱۲) اگر انسانی چون کافران به لذت‌جویی بپردازد، خود را از حقیقت کمال بازداشته است و در جست‌وجوی آن نمی‌رود، لذا چنین افرادی در آخرت در کمال ذلت و پستی قرار می‌گیرند؛ زیرا نتوانسته‌اند از ابزارهای کمال‌جویی بهره‌مند شوند و اعضا و جسم و روان خویش را به کمال برسانند(احقاف، آیه ۲۰)

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.



هر چه دل بخواهد و هر چه چشم از آن لذت ببرد، در بهشت وجود دارد، و شما در آنجا جاودانه خواهید بود

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.

لذت‌های دنیوی هر چند که لذت‌های اخروی را برسانند، اما لذت‌های اخروی را برسانند.